

آیا بحران تنگه هرمز آغاز «پایان عصر نفت» در بازارهای جهانی انرژی است؟

رادیو فردا

۱۴۰۵/تیر/۰۵



بسته شدن تنگه هرمز در پی جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران، به اعتقاد برخی تحلیلگران، ممکن است اثری ماندگار بر بازار جهانی انرژی گذاشته باشد؛ اثری که برخی آن را با شوک نفتی سال ۱۹۷۳ مقایسه می‌کنند و می‌تواند آغازگر تغییرات بلندمدت در الگوی مصرف انرژی جهان باشد.

خبرگزاری رویترز در گزارشی به همین موضوع پرداخته و نوشته است که بسته شدن این آبراه راهبردی برای بیش از ۱۰۰ روز ممکن است به نقطه‌عطفی در بازارهای جهانی انرژی تبدیل شده باشد.

تحریم نفتی کشورهای عربی در سال ۱۹۷۳، که شوکی مشابه به عرضه جهانی وارد کرد، می‌تواند تصویری از مسیر پیش روی جهان به دست دهد.

این گزارش می‌گوید بحران اخیر خاورمیانه آزمونی برای نظام انرژی امروز جهان بود؛ نظامی که طی دهه‌های گذشته به بازاری به شدت درهم‌تنیده تبدیل شده و بر شبکه‌ای از هزاران نفتکش، شرکت‌های بازرگانی و سازوکارهای پیچیده قیمت‌گذاری استوار است.

این بازار در جریان جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران که از نهم اسفند ۱۴۰۴ آغاز شد، نشان داد بیش از آنچه تصور می‌شد توان سازگاری دارد. جابه‌جایی سریع مسیرهای عرضه و تغییر الگوی تقاضا باعث شد آثار سناریویی که پیش‌تر «آخرالزمانی» تلقی می‌شد، یعنی بسته شدن عملی تنگه هرمز، تا حد زیادی مهار شود.

تنگه هرمز آبراه باریکی است که در شرایط عادی نزدیک به یک‌پنجم نفت و گاز طبیعی مایع جهان از آن عبور می‌کند.

با این حال، این بحران بدون هزینه نبود، به‌ویژه برای آسیا که حدود ۶۰ درصد واردات نفت و گاز خود را از خاورمیانه تأمین می‌کند. اقداماتی مانند برداشت از ذخایر انرژی و کاهش واردات چین تنها راهکارهایی موقتی بودند و در بلندمدت دوام نداشتند.

بازارهای جهانی انرژی تنها توانسته بودند بحران را برای مدتی به تعویق بیندازند. اگر تنگه هرمز در همان زمان بازگشایی نمی‌شد، با کاهش خطرناک ذخایر جهانی، بازار ممکن بود به نقطه‌ای بحرانی برسد.

هرچند از آن سناریوی فاجعه‌بار جلوگیری شد، اما بحران ناشی از بسته شدن تنگه هرمز اکنون بسیاری از دولت‌ها را به بازنگری در سیاست‌های انرژی خود سوق داده است.

اکنون این پرسش مطرح است که آیا جهان اکنون به‌سوی کاهش چشمگیر مصرف سوخت‌های فسیلی حرکت خواهد کرد؟ مقایسه بحران کنونی با تحریم نفتی ۱۹۷۳ نشان می‌دهد پاسخ چندان ساده نیست، اما شاید این بحران در نهایت سرآغاز پایان عصر نفت باشد.

طلای سیاه

عصر مدرن نفت با حفر نخستین چاه تجاری جهان در ایالت پنسیلوانیای آمریکا در سال ۱۸۵۹ و تأسیس شرکت استاندارد اوایل توسط جان دی. راکفلر در سال ۱۸۷۰ آغاز شد.

گسترش استفاده از خودرو در اوایل قرن بیستم باعث شد مصرف نفت از تقریباً صفر در سال ۱۹۰۰ به بیش از ۱۰۰ میلیون بشکه در روز در دهه ۲۰۲۰ برسد و نفت به مهم‌ترین کالای جهان تبدیل شود.

با افزایش مصرف جهانی و توسعه میادین جدید، به‌ویژه در خاورمیانه، کنترل این «طلای سیاه» به یکی از عوامل اصلی رقابت میان قدرت‌های غربی و کشورهای تولیدکننده تبدیل شد و زمینه‌ساز جنگ‌ها و کودتاهای متعددی شد.

یکی از نقاط عطف این روند، تحریم نفتی کشورهای عرب عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت، اوپک، علیه آمریکا و دیگر کشورهای حامی اسرائیل پس از جنگ یوم‌کیپور در سال ۱۹۷۳ بود. این اقدام قیمت نفت را تقریباً یک‌شبه چهار برابر کرد و موجی از تورم جهانی به راه انداخت.

بازآرایی بزرگ

تحریم نفتی ۱۹۷۳ پیامدهای گسترده‌ای داشت. دولت‌ها و شرکت‌ها به کاهش مصرف سوخت روی آوردند. در آمریکا خودروهای کوچک و کم‌مصرف ژاپنی محبوب شدند و دولت استانداردهای مصرف سوخت را سخت‌گیرانه‌تر کرد.

در اروپا خودروسازان به توسعه موتورهای دیزلی پرداختند و صنایع سنگین به تدریج نفت کوره را با زغال‌سنگ و گاز جایگزین کردند.

همزمان، کشورهای غربی توسعه منابع داخلی نفت و گاز، به ویژه در میادین فراساحلی، را سرعت بخشیدند. این روند وابستگی به واردات را کاهش داد و شدت مصرف انرژی در اقتصادهای آنها را پایین آورد.

این بحران همچنین به تأسیس آژانس بین‌المللی انرژی در سال ۱۹۷۴ انجامید؛ نهادی که وظیفه هماهنگی واکنش کشورهای عضو در برابر اختلال‌های بزرگ عرضه نفت، از جمله مدیریت ذخایر راهبردی نفت، را بر عهده گرفت.

در مجموع، بحران ۱۹۷۳ به کنار گذاشتن سوخت‌های فسیلی منجر نشد، بلکه باعث شد کشورها از آنها با احتیاط و بهره‌وری بیشتری استفاده کنند.

راهبرد تازه انرژی؛ تنوع‌بخشی و اتکا به منابع داخلی

اکنون در سال ۲۰۲۶ نیز نشانه‌های تغییر مشابهی دیده می‌شود، اما این بار یک تفاوت اساسی وجود دارد؛ برخلاف دهه ۱۹۷۰، اکنون جایگزین‌های رقابتی و در دسترس برای سوخت‌های فسیلی وجود دارند و همین گزینه‌ها می‌توانند مصرف نفت و گاز را کاهش دهند.

آسیا که بیشترین آسیب را از قطع عرضه خلیج فارس دید، در آغاز بحران با اقداماتی اضطراری مانند اجرای هفته کاری چهارروزه، اجباری شدن دورکاری و محدودیت در سفرهای هوایی و زمینی واکنش نشان داد. برخی صنایع نیز به دلیل کمبود انرژی ناچار به کاهش یا توقف تولید شدند.

اما این اقدامات موقتی بودند و قرار بود با عادی شدن جریان نفت لغو شوند. آنچه اهمیت بیشتری دارد، تغییرات ساختاری است که می‌تواند مسیر تأمین انرژی سریع‌ترین بازار در حال رشد جهان را در سال‌های آینده تعیین کند.

اقتصادهای آسیایی سال‌ها تأمین ارزان‌ترین انرژی را در اولویت قرار داده بودند، اما بحران تنگه هرمز این درس را به آنها داد که امنیت انرژی اکنون بر هر ملاحظه دیگری، حتی قیمت، اولویت یافته است.

در همین راستا، کشورهایی مانند هند و پاکستان احتمالاً به سرمایه‌گذاری در ذخایر داخلی نفت روی خواهند آورد؛ مسیری که پیش‌تر کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی و چین طی کرده‌اند.

همزمان، کشورهای بزرگ واردکننده انرژی، از جمله هند، پاکستان و ژاپن، برای کاهش وابستگی به نفت و گاز، سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر، نیروگاه‌های هسته‌ای و حتی زغال‌سنگ را افزایش می‌دهند.

در کره جنوبی نیز رئیس‌جمهور این کشور خواستار تلاش برای ایجاد زنجیره‌های تأمین جایگزین، بازسازی ساختار صنعتی در میان‌مدت و بلندمدت و حرکت به سوی «اقتصاد بدون پلاستیک» شد؛ طرح‌هایی که قرار است به‌عنوان پروژه‌های کلیدی ملی دنبال شوند.

اروپا به اندازه آسیا از جنگ ایران آسیب ندید، اما این قاره اکنون در کمتر از پنج سال با دومین شوک بزرگ انرژی روبه‌رو شده است.

پس از حمله گسترده روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، اروپا ناچار شد به سرعت منابع انرژی روسیه را جایگزین کند. این روند قیمت گاز را به شدت افزایش داد و با اجرای سیاست‌های صرفه‌جویی، به کاهش محسوس مصرف انجامید.

صنایع انرژی‌بر، از جمله صنایع شیمیایی، شیشه و فولاد نیز به دلیل افزایش هزینه سوخت، بخشی از توان رقابتی خود را در بازار جهانی از دست دادند.

تقاضای گاز اروپا بین سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ بیش از ۲۰ درصد کاهش یافت و از آن زمان تاکنون تنها اندکی افزایش یافته است، در حالی که سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در سبد انرژی اروپا بیشتر شده است.

با این اوصاف، بحران تنگه هرمز احتمالاً این روند را شتاب خواهد بخشید.

سرمایه‌ها به کدام سو می‌روند؟

سرمایه‌گذاری‌های جهانی نیز نشان می‌دهد بازار در حال حرکت به سمت اولویت‌های تازه انرژی است.

بر اساس گزارش «سرمایه‌گذاری جهانی انرژی» آژانس بین‌المللی انرژی، مجموع سرمایه‌گذاری جهانی در بخش انرژی امسال به ۳.۴ تریلیون دلار خواهد رسید که پنج درصد بیشتر از سال ۲۰۲۵ است.

بخش بزرگی از این سرمایه‌گذاری‌ها به انرژی‌های جایگزین، تقویت تاب‌آوری شبکه‌های انرژی و کاهش وابستگی به نفت و گاز اختصاص یافته است. این موضوع نشان می‌دهد فاصله گرفتن از نفت، هرچند فعلاً به صورت تدریجی، در حال شتاب گرفتن است.

فروش خودروهای برقی در سه ماهه نخست ۲۰۲۶ نیز نسبت به مدت مشابه سال قبل، در اروپا ۳۰ درصد، در آمریکای لاتین ۷۵ درصد و در منطقه آسیا و اقیانوسیه ۸۰ درصد افزایش یافته است.

همچنین صادرات پنل‌های خورشیدی چین به آفریقا ۱۲۰ درصد و به آسیای جنوب شرقی ۱۵۰ درصد رشد کرده است.

در آفریقا، ۱۵ کشور تنها در سه ماهه نخست سال جاری بیش از ۴۰۰ میلیون دلار پنل خورشیدی وارد کرده‌اند؛ رقمی که در کل سال ۲۰۲۵ حدود ۶۵۰ میلیون دلار بود.

همزمان، بهره‌وری انرژی نیز در دستور کار سیاست‌گذاران جایگاه پررنگ‌تری پیدا کرده است. سرمایه‌گذاری جهانی در این بخش اکنون حدود ۳۵۰ میلیارد دلار در سال است و دامنه سیاست‌های مرتبط با آن همچنان گسترش می‌یابد.

آژانس بین‌المللی انرژی برآورد کرده است که حدود ۲۰ کشور در واکنش مستقیم به بحران تنگه هرمز، سیاست‌های جدیدی برای افزایش بهره‌وری انرژی اعلام کرده‌اند.

با این همه، این گزارش تأکید می‌کند که نفت و گاز به این زودی جایگاه خود را در نظام انرژی جهان از دست نخواهند داد.

نفت همچنان در بخش‌های حمل‌ونقل، کشاورزی و ساخت‌وساز نقشی عمیق و گسترده دارد و رشد تقاضای برق، ناشی از توسعه صنعتی، افزایش استفاده از سیستم‌های سرمایشی و گسترش مراکز داده هوش مصنوعی، نقش گاز طبیعی را نیز تقویت کرده است.

اما مسئله اصلی جهت حرکت است. طی بخش بزرگی از قرن گذشته، مسیر مصرف سوخت‌های فسیلی همواره صعودی بود. بحران تنگه هرمز شاید آغاز تغییر این روند باشد.

بیشتر در این باره:

تحولات تنگه هرمز چگونه بر بازارها، از نفت تا بیت‌کوین، اثر می‌گذارد؟



این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

اقتصاد جهان

بایگانی

© ۲۰۲۶ تمام حقوق این وبسایت، بر اساس مقررات کپی‌رایت، برای رادیو فردا محفوظ است.